

لایه های متون تاریخ شفاهی

نویسندگان: محسن کاظمی

منبع: زمانه ۱۳۸۶ شماره ۶۴

چکیده

اگر مصاحبه کننده به اندازه کافی اطلاعات و مهارت و همچنین شجاعت داشته باشد، خواهد توانست حتی از کتمان کننده ترین و ملاحظه کارترین خاطره گوها، حقیقت رویدادهای تاریخی را کشف کند و باعث شود متنی (text) قوی و ارزشمند در عرصه تاریخ شفاهی پدید آید. بر چنین کشف و پدیداری، عوامل برونزا و درونزای مختلفی موثر است. مقاله زیر درصدد است این عوامل را بررسی کند.

متن

امروزه تاریخ شفاهی (Oral History) یکی از گونه‌های مهم تاریخ‌نگاری است که لایه‌های آماری و اطلاعاتی در سطحی عمیق و نیمه‌عمیق از وقایع، رخدادها و حوادث از تجربه‌های زنده را منعکس می‌کند، تا حلقه‌های مفقود شده یک اتفاق، واقعه یا جریان تاریخی کشف گردد.

برای شناخت نقاط قوت و ضعف تاریخ شفاهی و برای بررسی و مطالعه نواقص، معضلات و کاستی‌های آن، از طرفی، و از طرف دیگر نشان دادن محاسن و مزایای آن، لازم است در فرم، ساختار و محتوای این‌گونه تاریخ‌نگاری دقت و تأمل لازم و بایسته صورت گیرد.

در این نوشتار قصد است مهم‌ترین رکن تاریخ شفاهی، یعنی «محتوا» بررسی شود.

محتوا

محتوا درون‌مایه و جوهره اصلی تاریخ شفاهی است که خود تحت‌تأثیر عوامل و متغیرهای بسیاری قرار دارد. متن در تاریخ شفاهی دربرگیرنده برون‌ریخت‌های ذهنی و به عبارتی انعکاس برداشت‌های ذهنی و عینی نقش‌آفرین یا شاهد در متن یک حادثه و رویداد است. لذا بن‌مایه تاریخ شفاهی خاطره است. بدیهی است که خاطره همان

درون‌ریخت‌های ذهنی حاصل از ادراک و فهم کردن از طریق حواس پنج‌گانه به اضافه تأثیرات ضمیر خودآگاه و ناخودآگاه، فکر و اندیشه فرد حاضر و دخیل در محتوا، زمینه یا حاشیه یک واقعه و رخداد است.

آنچه امروز می‌بینیم، می‌شنویم، می‌بوییم، می‌چشیم و لمس می‌کنیم در کنار برداشت‌های فکری و اندیشه‌ای در ذهن و ضمیر ما ثبت و ضبط می‌شود و در آینده در قالب خاطره‌نویسی یا خاطره‌نگاری یا در فرایندی بالاتر در چارچوب تاریخ شفاهی منعکس می‌شود.

بر ادراک از طریق حواس و تأثیرات اندیشه‌ای، و ثبت و ضبط وقایع در ذهن، و بعد نحوه برون‌ریخت و قالب‌بندی و ترکیب و ترتیب متن، و از همه مهم‌تر بر ماهیت آن، عوامل و متغیرهای متعددی تأثیرگذارند که می‌توان آن‌ها را به دو بخش متغیرهای درون‌زا و متغیرهای برون‌زا تقسیم نمود.

قدرت و توانایی هر یک از این حواس فیزیکی به علاوه حد و عمق امیال، علائق و سلائق درونی و جهان اندیشه‌ای مستتر در ذهن و ضمیر فرد همه و همه متغیرهای درون‌زایی هستند که بر میزان، کیفیت، نوع و نحوه برداشت از وقایع و بعد چگونگی ثبت و انتشار متن مؤثرند. کسی که دچار ضعف بینایی و کوررنگی است ممکن است رنگ صورتی را در ذهن خود نارنجی ثبت کند. یا کسی که دچار مشکل شنوایی است در سنجش اصوات زیر، پارازیت‌هایی را در ذهن به خاطر بسپارد. چنین وضعی را می‌توان بر دیگر حواس تعریف و ترسیم کرد.

عوامل دخیل در متن واقعه

۱- متغیرهای درون‌زا:

مهم‌ترین متغیر درون‌زا بر متن، ضمیر، اندیشه، بینش و هوشمندی شخص دخیل در یک حادثه، رویداد و واقعه است. از این‌روست که درون‌ریخت‌ها و برداشت‌های یک فرد از متن واقعه با فرد دیگر داخل در واقعه متفاوت است که این تغیر و تفاوت بیشتر در بیان تحلیل و چون و چرایی واقعه بروز پیدا می‌کند. البته این تفاوت گاه در نوع زبان و نثر، ارائه فرم و حتی ساختار نیز مشهود است.

رویداد تاریخی تغییر ایدئولوژی سازمان مجاهدین خلق به مارکسیسم در سال ۱۳۵۴ از نظر مبارزان و فعالان سیاسی آن دوره، که دارای جهان‌بینی و ایدئولوژی معین و مختصی بودند، به اشکال مختلف نقد و تحلیل و توصیف می‌شود. مارکسیست‌ها و فعالان چپ این حرکت را انقلابی و رو به تعالی تعریف کردند و آن را در قواعد دیالکتیک مادی‌گرایانه تفسیر نمودند و می‌نمایند و از آن، علم بودن مبارزه در مارکسیسم را نتیجه می‌گیرند. تعدادی از سران رده‌بالای مسلمان آن سازمان که در آن زمان در زندان به سر می‌بردند و در بینش فکری خود تراحمی برای فعالیت‌های گروه‌های چپ نمی‌دیدند، واقعه تغییر ایدئولوژی را نتیجه یک اقدامی فرصت‌طلبانه و اپورتونیستی تحلیل می‌کردند و بر دموکراتیک نبودن آن انتقاد می‌نمودند. برای بخشی از مبارزان مسلمان و تعدادی از روحانیان، که پیش‌تر با سازمان ارتباط داشتند و از کمک‌های فکری و حمایت‌های مالی خویش به این سازمان دریغ

نمی‌کردند، این واقعه به مانند یک شوک بود، لذا آن را گرایشی الحادی، و پیروان و گروندگان به این ایدئولوژی را، به نقل فتوایی، نجس دانستند. پس می‌بینیم ایدئولوژی، جهان‌بینی، گرایش‌های درونی و جهان اندیشه‌ای در تفسیر و تحلیل رویدادها مؤثر است. این گروه‌های متفاوت هر یک تأویل خود را دارد و با این تأویل به برون‌ریخت ذهنی خود مبادرت می‌کنند. از این‌روست که دنیای درونی، فکری و روانی صاحب متن یا به عبارتی کنشگر تاریخی مهمترین و مؤثرترین متغیر درونی در بیان، تحلیل و تفسیر متن به شمار می‌آید.

۲— متغیرهای برون‌زا:

زمان، مکان، پیش‌داده‌ها، و خود بازروا (محقق، مصاحبه‌گر و تدوین‌کننده) از جمله دیگر متغیرهایی هستند که در تولید، تکوین و شکل‌گیری متن بسیار مؤثرند. از آنجاکه این متغیرها منبعث از دنیای درون و سرشت و طبیعت راوی نیست، بلکه خارج از دنیا و طبع اوست و می‌تواند با تحت‌تأثیر قرار دادن جهان فکری و اندیشه‌ای و سرشت روحی و روانی روایتگر تاریخ و وقایع، بر محتوا تغییر ایجاد کند، می‌توان از آن‌ها به متغیرهای برون‌زا یاد کرد.

نقطه زمان و مکانی که راوی بر بلندای آن ایستاده است و به گذشته می‌نگرد، در عمق دید او مؤثر است. طبیعی است با فرض پیش‌داده‌های ثابت، فرد هرچه از زمان وقوع حوادث و رویدادها فاصله می‌گیرد با به تحلیل رفتن ذهن نمی‌تواند لایه‌های عمیق واقعه تاریخی را رصد کند و کلی‌گویی می‌کند و در بیان سطحی وقایع و حوادث باقی می‌ماند.

از طرفی نیز افزایش اطلاعات و داده‌ها و یافته‌های جدید ممکن است سبب تفسیر و تحلیل دقیق‌تر از وقایع نسبت به زمان قبل‌تر از آن شود.

گذشت زمان، تغییر سیاست‌های حاکمیت، فرهنگ و اجتماع را در دل خود دارد. لذا بسته به شرایط زمانی تغییر یافته و قرار گرفتن در آن، بیان، تحلیل و تفسیر وقایع نیز متفاوت خواهد بود. در شرایط زمانی که اعمالی چون خشونت، انفجار، کشتن و کشته شدن از نظر یک مبارز و فعال سیاسی عملی قهرمانانه و شجاعانه و ارزشمند برای نیل به هدف تلقی می‌شود، می‌تواند در برهه و زمان دیگری و پس از آن اقداماتی خشن، ضد ارزش و مذموم باشند. گاه در مقطع و زمانی برای نیل به هدف اعمال زور، ترور و تخریب تجویز می‌شود، اما در مقطعی دیگر گفت‌وگو، مدارا و مذاکره و راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز برای پیشبرد اهداف توصیه می‌شود. بدیهی است در شرایط زمانی متفاوت، زبان بیان متن، تفسیر و تحلیل از یک واقعه نیز با هم تفاوت دارند، به همین ترتیب است فضا و مکان روایت.

هنجارها و ارزش‌های یک جامعه با توجه به فرهنگ‌ها می‌تواند از جایی به جایی دیگر متغیر باشد. به طور مثال در جامعه‌ای پدیده اجتماعی «طلاق» عملی بسیار مذموم و ناهنجار و ضد ارزش محسوب می‌گردد، درحالی‌که در جامعه‌ای دیگر این امر عادی و معمولی تلقی می‌شود. بسته به جا و مکانی که فرد در آن قرار می‌گیرد ممکن است

تعاریف و شرح یک واقعه و به دنبال آن تأویل متن فرق کند. از این‌روست که می‌بینیم عده‌ای که تا دیروز در داخل کشور در بیان و تفسیر وقایع زبانی لَین و آرام یا خنثی داشتند، وقتی به خارج از کشور می‌روند با زبانی تند و دشمنانه سخن می‌گویند و از پدیده‌ها و تحولات سیاسی — اجتماعی گذشته و روز تفسیری خصمانه ابراز می‌کنند. مشکلی که سازمان مجاهدین خلق در مواجهه با امریکا دارد همین است؛ آن‌ها، تا زمانی که در بستر سیاسی کشور حضور داشتند و در داخل کشور بودند، امریکا را با عنوان امپریالیسم، استعمارگر و دشمن بشریت تبلیغ و معرفی می‌نمودند و در کارنامه خود به ترور مستشاران نظامی امریکایی در رژیم شاه افتخار می‌کردند، اما همین سازمان، پس از خروج از کشور و قرار گرفتن در دامان دنیای غرب، امریکا را منجی بشریت و حافظ و صیانت‌کننده حقوق بشر تأویل و تفسیر می‌کنند و به منظور پاک کردن ذهنیت تاریخی و تفسیرهای گذشته خود می‌کوشند. از دیگر معضلات جدی آن‌ها نداشتن درک لازم برای مقتضیات زمان است، آن‌ها در تمامی مراحل و مقاطع تاریخی برای پیشبرد اهداف خود به خشونت، ارباب و ترور متوسل می‌شوند، لذا درک نکردن شرایط و مقتضیات زمان و مکان جدایی کامل آن‌ها از توده‌های مختلف مردم را سبب شده است. با این توضیح معلوم است که روایت و متن تاریخی در قالب‌های زمانی مختلف اشکال مختلفی می‌یابد.

اما مهم‌ترین عامل و متغیر برون‌زا در برون‌ریخت ذهن و تاریخ گذشته، خودِ بازروا در جایگاه مصاحبه‌گر، محقق، تدوین‌گر و ویراستار است. مصاحبه‌گر، ویژگی‌های شخصی و شخصیتی او، نوع و نحوه مصاحبه و میزان تسلط و مهارت در آن، ابعاد ذهنی، ضمیر و دنیای درونی او به شکل‌های گوناگون بر فرایند برون‌ریخت ذهنی و تکوین متن تاریخی مؤثر است.

انتخاب سوژه؛ هدف تحقیق؛ فضا، مکان و زمان مصاحبه؛ چگونگی ارتباط و مواجهه با راوی؛ اطلاعات، دانش، بینش و ایدئولوژی مصاحبه‌گر؛ و تجربیات و مهارت مصاحبه‌گر، تعیین‌کننده نحوه شکل‌گیری متن هستند.

مصاحبه‌کننده با عنایت به موضوع تحقیق، برای مصاحبه به انتخاب دست می‌زند و از میان بسیار کسانی که در متن وقایع حاضر بوده یا در حاشیه آن قرار داشته‌اند، با توجه به محدودیت‌های زمانی، مکانی و امکاناتی تعدادی را برمی‌گزیند. البته گاهی موضوع تحقیق به قدری مشخص و محدود شده است که می‌توان تمامی صاحبان متن و شاهدان آن را برای بازروایی حادثه و رویداد در چارچوب مصاحبه قرار داد. ولی گاهی موضوع به قدری عمیق و دامنه فراگیری آن وسیع است که بالاجبار باید میان ناقلان واقعه به گزینش دست زد، تا به صحیح‌ترین قول و روایت بدون تکرارهای آزاردهنده رسید. به طور مثال عملیات کربلای ۴ و صاحبان متن و حاشیه آن به قدری فراگیر و وسیع‌اند که مصاحبه با یک‌یک آن‌ها امکان‌پذیر و مقدور نیست. در اینجا بازروا، با توجه به لوازم، امکانات و اهداف و رجحان‌هایی که دارد، به انتخاب دست می‌زند، و از میان نیروهای صف و ستاد، فرماندهان و سربازان، پیش‌قراولان و پشتیبانان و... راویانی را برمی‌گزیند. فرایند انتخاب، هرچه که هست و باشد، بدیهی است که در چگونگی شکل‌گیری و تکوین متن تأثیر خواهد گذاشت.

برای تسلط و هدایت مصاحبه، مصاحبه‌گر نیاز دارد که از پیش، مطالعه و بررسی لازم را بر روی موضوع و مصاحبه‌شونده (صاحب متن) انجام داده باشد. هدف‌گذاری و مسیر مطالعه تحقیق زاویه دیدی را ایجاد می‌کند که به خودی خود در تبیین و تفسیر متن مؤثر می‌افتد. اگر هدف بررسی دلایل شکست در موضوعی چون عملیات کربلای ۴ باشد راویان در جهت تأمین هدف به سویی هدایت می‌شوند تا فقط دلایل شکست در این عملیات را بیان کنند، و این جهت‌دهی خواسته یا ناخواسته سبب خواهد شد این بخش از واقعه مهم جلوه کند. جالب این است که همواره بررسی یک موضوع تاریخی موجب اظهار آن و مغفول ماندن موضوعات دیگر تاریخی می‌شود، ضمناً توجه به وجهی از یک واقعه می‌تواند باعث گردد از وجوه دیگر آن واقعه غفلت شود. همچنین در نظر گرفتن هدفی مشخص و معین در بیان و تفسیر یک رویداد باعث از نظر دور افتادن اهداف دیگر می‌شود. عده‌ای از شفاهی‌کاران معتقدند انتخاب یک موضوع کلی کافی است تا غور کافی روی یک موضوع شود و دیگر نباید با در نظر گرفتن اهدافی جزئی آن را محدود کرد. در غیر این صورت این وضع محتمل است که دامنه موضوع به قدری باز و گسترده شود که دیگر اصلاً متن یگانه‌ای به دست نیاید و نشود آن را جمع‌بندی کرد، آنچه فراهم می‌شود مطالبی است چنان پراکنده و نامشخص و نامنظم که فاقد نسوج لازم برای یک بافت محکم است.

نحوه هدایت و کنترل مصاحبه نیز در شکل‌گیری متن دخیل است. بعضی از مصاحبه‌کنندگان معتقدند که سوژه در بیان یک واقعه و موضوع باید رها و آزاد باشد، به هیچ روی نباید او را محدود کرد، او باید از هر دری که می‌خواهد سخن بگوید و از هر زاویه‌ای که می‌خواهد وارد شود، به هر شکل و صورتی که می‌پسندد در آن غور کند و تحلیل نماید و از آن خارج گردد؛ در چنین روش و روندی است که حقیقت یک واقعه در میان انبوه خاطرات و سخنان پراکنده راوی قابل رصد کردن است. اما عده‌ای از محققین نیز بر این اعتقادند در چنین وضع و حالتی هیچ تضمینی نیست که بتوان به حقیقت یک واقعه نزدیک شد، و این متن‌های متکثر و حواشی متعدد، خود می‌تواند ما را از متن اصلی و واقعی دور کند؛ لذا باید مصاحبه‌شونده فقط و فقط معطوف به هدف و سؤال مشخص و طراحی‌شده سخن بگوید.

در این میان عده‌ای راه‌حل میانی را توصیه می‌کنند و آن را برای رسیدن به متن درست، سودمند می‌دانند؛ اینکه مصاحبه تحت کنترل و هدایت انجام شود؛ یعنی در عین آزادی نسبی مصاحبه‌شونده، باید مصاحبه‌گر با مهارت و اهرم‌های لازم نگذارد که مصاحبه‌شونده از هر جهان نامعلومی سر در بیاورد و از هر دری سخن بگوید، او باید سوژه را با سؤالات، رفتار و برخورد خود در مسیر تبیین موضوع اصلی کنترل کند. برای چنین کنترل و تسلطی بر فضای مصاحبه لازم است که بازروا از اطلاعاتی کلی نسبت به موضوع و هدف تحقیق برخوردار باشد، و پیش‌تر بررسی‌ها و مطالعاتی بر سوژه و موضوع انجام داده باشد. به طور مثال از وضعیت فکری، سیاسی، روحی و روانی سوژه (مصاحبه‌شونده) مطلع باشد، بداند که او در کدام جبهه‌بندی سیاسی و ایدئولوژیک قرار دارد، به فرض اگر او یک فعال سیاسی از حزب توده و معتقد به مرام و مکتب مارکسیسم است، از او درباره مکاتب الهی نپرسد. از دقت و وسواس او در نظم و انضباط در مصاحبه و نزاکت در صحنه مصاحبه آگاهی داشته باشد، بداند که خصوصیات و

عادات اخلاقی و رفتاری شخص و شخصیتی او چیست؟ و... در چنین شرایطی مصاحبه‌گر خواهد توانست فضایی مسلط بر مصاحبه را فرا روی خود ایجاد کند و بر روند صحیح و شکل‌دهی متن مؤثر بیافتد.

اطلاعات و دانش مصاحبه‌کننده در مواقعی که ذهن راوی خاموش است می‌تواند به صورت کلیدی محرک عمل کند. چند پرسش درست و صحیح که در درون خود حاوی اطلاعات و نشان‌های لازم است می‌تواند همچون تلنگری به ذهن راوی باشد و تنور خاطر و ذهن او را روشن کند، تا او بتواند جزئیات وقایع و خاطراتش را به یاد آورد.

چنین نقشی برای بازروا نباید جنبه تلقین پیدا کند؛ به طوری که بخواهد حرف‌های خود را از حلقوم مصاحبه‌شونده بشنود، یا با ارائه اطلاعات درصدد برنیاید به نتایج دلخواه و ازپیش‌فرض‌شده خود برسد. اگر مصاحبه‌کننده به دنبال ایفای چنین نقشی باشد، بدیهی است که تحذیف و تحریف در مسیر تحقیق و تاریخ‌نگاری روی خواهد داد.

با بررسی دقیق و تأمل بر عوامل و متغیرهای مؤثر بر متن مصاحبه، بررسی مراحل بعدی و نهایی تاریخ شفاهی همچون تدوین و ویراستاری راحت‌تر خواهد شد. معلوم است که در تدوین متن مصاحبه و فرایند تبدیل گفتار به نوشتار نیز عواملی مؤثرند که جای بررسی آن‌ها در ذیل عنوان این مقاله نیست.